

در آستانه جنگ بین ایالات متحده و چین ؟

ایجاد ساخت و ساز تمامیت خواه جهانی، «دولت جهانی یگانه» ؟

آیا با نسخه جدیدی از جنگ جهانی هیتلر و استالین در سال 1941 روبرو هستیم؟

ویلیام انگدل

[F. William Engdahl](#)

مرکز پژوهش های جهانی سازی، 17 اوت 2020



اگر تیترهای درشت رسانه های سراسر جهان را در چشم انداز قرار دهیم و اگر سعی کنیم خطوط اصلی گزارشات آنها را بررسی کنیم، درمی یابیم که دست کم از سه سال پیش موضوع اصلی جغرافیای سیاسی جهان رویارویی واقعی بین دو ابر قدرت جهان جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا بوده است. بیش از پیش بنظر می رسد که برخی شبکه های جهانی سرّی [و مشکوک] جریانی را راه اندازی می کنند که به تجدید و به روز رسانی جنگ جهانی 1939-1945 شباهت پر رنگی دارد. این بار، موضوع فوق العاده بنظر می رسد و هدفشان ایجاد ساخت و ساز تمامیت خواه جهانی یگانه ای است، یعنی همان چیزی که دیوید راکفلر در گذشته آن را « دولت جهانی یگانه » نامید. قدرت های بزرگ دائماً از جنگ برای به دست آوردن تغییرات سیاسی اساسی استفاده می کنند.

به نام نیروهای حاضر در صحنه جنگ جهانی دوم (Power That Be- PTB) محافل نفوذی سیتی لندن و وال استریت روسیه و آلمان دو رقیب بزرگ را علیه یکدیگر تحریک کردند تا بین دو کشور جنگ خونباری را هدایت کنند،

ولی به نحوی که نیروهای حاضر در صحنه در جبهه آنگلو ساکسونها بتوانند صفحه شطرنج جغرافیای سیاسی جهان را به نفع خودشان مجدداً ترسیم کنند. البته در این طرح به موفقیت بزرگی دست یافتند، با این شرط که پس از 1945، وال استریت و برادران راکفلر مصمم بودند که انگلستان نقش نخستین همکار واشنگتن را به عهده بگیرد. انگلستان و ایالات متحده آمریکا با کسب جایگاه برتر جهان وارد دورانی شدند که «جنگ سرد» نامیده شده است.

همکاری جهانی انگلستان و ایالات متحده رسماً در سال 1989 با سقوط دیوار برلن و فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال 1991 به پایان رسید.

با آغاز ریاست جمهوری بیل کلینتون در سال 1992، تقریباً در این دوران، شاهد دوره بعدی هستیم: یعنی پرده برداری از جهانی سازی مالی و صنعتی. در همین دوران نیز بود که روند فروپاشی پایگاه های صنعتی نه فقط در ایالات متحده آمریکا بلکه به همچنین در آلمان و اتحادیه اروپا آغاز شد. پس از سال های 1990، سازمان تجارت جهانی نوین برون سپاری نیروی کار ارزان را امکان پذیر کرد، و موجب تنزل کارمزد و تخریب حجیم صنایع در غرب شد. این دوران برای جهت گیری به سوی آن چیزی که جرج هربرت واکر بوش در سال 1990 «نظم نوین جهانی» نامید مرحله ای ضروری بود. مرحله بعدی عبارت بود از تخریب حاکمیت ملی در همه جا. روی این طرح، ایالات متحده آمریکا مانع اصلی را تشکیل می داد.

« اندکی کمک از دوستانمان... »

برای نیروهای حاضر در صحنه که به هیچ ملتی وفادار نیست و فقط به قدرت خودشان که از مرزها عبور می کند ابراز وفاداری می کنند، پیدایش سازمان تجارت جهانی و پیوستن چین به عنوان عضو تمام عیار در سال 2001 به مثابه مرحله کلیدی آینده مطرح بود. در این مرحله، نیروهای حاضر در صحنه بزرگترین رشد صنعتی تاریخ را در چین تسهیل کردند، شاید به استثناء آلمان از سال 1871. پیوستن این کشور به سازمان تجارت جهانی به شرکتهای چند ملیتی غربی مانند شرکت اپل (Apple) یا نایکی (Nike)، مرغ سوخاری کنتاکی (KFC) تا فورد (Ford) و فولکس واگن (VW) اجازه داد که میلیاردها دلار را به چین سرازیر کنند تا کالاهایشان را به یمن کارمزدهای بسیار نازل تولید و سپس به غرب صادر کنند.

یکی از اسرار مهم این رشد اقتصادی چین به این علت است که چین پس از سال 2001 مجاز شد تا به «کارگاه جهان» تبدیل شود، ابتدا در صنایعی که از کیفیت نازلی برخوردارند مانند پارچه بافی یا اسباب بازی، سپس در تولیدات دارویی و در دوران اخیرتر در موتاژ و تولید محصولات الکترونیک. وقتی می بینیم که نیروهای حاضر در صحنه و مؤسساتشان از چین برای تضعیف قدرت های بزرگ صنعتی به ویژه در ایالات متحده آمریکا برای پیش راندن برنامه هایشان استفاده می کنند پازل مشخص تر می شود. برژینسکی غالباً نوشته است که دولت-ملت باید حذف شود، دقیقاً مثل کارفرمایش دیوید راکفلر. با مجاز دانستن چین برای اینکه در عرصه اقتصادی و بیش از پیش در عرصه تکنولوژی به رقیب ایالات متحده آمریکا تبدیل شود، امکان تخریب فرادستی ابر قدرت ایالات متحده را فراهم آوردند.

در آغاز ریاست جمهوری شی جین پینگ در سال 2012، چین یک قدرت اقتصادی واقعی و دومین قدرت پر اهمیت پس از ایالات متحده بود. روشن است که این رویداد هرگز نباید به وقوع می پیوست، در هر صورت نه به سر پرستی همان خانواده های قدیمی انگلیسی آمریکائی که پس از 1840 جنگ تریاک را به راه انداختند تا چین را سرکوب کنند و با

غارنگری غربی اقتصاد چین را به توبره بکشند، مگر اینکه انگلیسی و آمریکائی ها چنین کاری را به اختیار انجام نداده باشند [و ناخواسته در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته باشند].

همان بانک بریتانیائی که در تجارت تریاک در چین دخالت داشت، یعنی بانک هونگ کونگ و شانگهای (HSBC) که توسط یک اسکاتلندی به نام توماس ساترلند^۱ در سال 1865 در هونگ کونگ که در آن دوران از مستعمره های بریتانیائی به حساب می آمد بنیانگذاری شده بود، و امروز نیز بزرگترین بانک غیر چینی در هونگ کونگ است. در این سالهای اخیر بانک هونگ کونگ و شانگهای مناسبات تنگاتنگی با چین برقرار کرده است: از سال 2011 لورا شا^۲ عضو شورای اداری و معاون بانک هونگ کونگ است. خانم شا در گذشته معاون هیئت چینی برای تنظیم اوراق بهادار بود، نخستین شخصی است که خارج از سرزمین اصلی چین در دولت مرکزی جمهوری خلق چین در پکن به کرسی معاون وزیر گماشته شد. به سخن دیگر، یکی از اعضای شورای اداری بزرگترین بانک انگلستان در عین حال عضو حزب کمونیست و کارمند دولت چین بود. چین نیاز داشت که به پول غربی و بانک هونگ کونگ و شانگهای دسترسی داشته باشد، و دیگر بانکها نیز مانند جی پی مورگان چیس، بارکلیز، گلدمن ساکس خیلی خوشوقت بودند که می توانند به چین کمک کنند.

« سوسیالیسم با خصوصیات شی جین پینگ... »

در سال 2012 وقتی شی جین پینگ در رأس حزب کمونیست چین در پکن قرار گرفت، چین در مجموع یک « بازی کن اکیپ » جهانی گرا بنظر می رسید، ولی با « خصوصیات چینی ». با وجود این، در سال 2015 پس از کمی بیش از دو سال ریاست جمهوری، شی جین پینگ استراتژی صنایع ملی جهانی را تأیید کرد: ساخت چین: 2025.

« چین 2025 » جایگزین طرح غربی جهانی گرای پیشین شد که با بانک جهانی و ایالات متحده آمریکا نوشته شده بود، طرح « چین 2030 » به مدیریت رابرت زولیک^۳. این گذار به استراتژی چینی در زمینه تکنولوژی جهانی به روشنی می تواند به تصمیم نیروهای حاضر در صحنه بیانجامد که مبنی بر آن از این پس نمی توانند برای ادامه قواعد جهانی گرایان روی چین حساب کنند. با وجود این حزب کمونیست چین به سر پرستی شی جین پینگ مصمم است که چین را در زمینه صنعت پیشرفته، هوش مصنوعی و زیست فن آوری به جایگاه پیشگام جهانی تبدیل کند. ولی ظهور فرادستی جهانی و ملی گرای چینی به نظریات « گانگسترهای نظم نوین جهانی » تعلق نداشت.

« چین 2025 » در ترکیب با ابتکار شی جین پینگ برای ایجاد راه ابریشم نوین که چین را با زیر ساختهای جهانی از راه زمین و دریا به کل اوراسیا و فراتر از آن متصل می کند احتمالاً به جهانی گرایان نشان داد که یگانه راه حل برای اجتناب از فروپاشی قدرتشان در مقابل فرادستی چین سرانجام رویکرد جنگ افروزانه خواهد بود. جنگی که دو قدرت ملی گرای ایالات متحده و چین را تخریب خواهد کرد. این نتیجه گیری نهائی من است و دلایل متعددی وجود دارد که نشان می دهد که چنین امری هم اکنون در شرف تکوین است.

¹ Thomas Sutherland

² Laura Cha Shih May-lung

³ Robert Zoellick

قطعه نان در برابر قطعه نان

اگر این نتیجه گیری حقیقت داشته باشد، این جنگ به احتمال خیلی قوی خیلی با برخورد نظامی از نوع جنگ جهانی دوم متفاوت خواهد بود. ایالات متحده و اغلب اقتصادهای صنعتی غرب با فرصت طلبی فاجعه بارترین افسردگی اقتصادی از سالهای 30 را تحریک کردند، با واکنشی شگفت آور و با ادعای ویروسی که از ووهان [در چین] منشأ گرفته و در سراسر جهان انتشار یافته است. با وجود اینکه آمار مرگ و میرها، حتا وقتی که به شکل گسترده بزرگنمایی شده باشد و در حد یک گریپ شدید فصلی باشد، پافشاری سیاستمداران و سازمانی بهداشت جهانی بزهکار برای تحمیل قرنطینه سرسختانه و اختلال اقتصادی برای فلج کردن زیر ساخت های مهم صنعتی در ایالات متحده و در اغلب کشورهای اتحادیه اروپا.

بر پاشدن شورش سازماندهی شده و بزهکاری مخرب زیر پرچم اعتراض علیه نژادپرستی در سراسر ایالات متحده آمریکا شهرهای آمریکا را در اغاب موارد به مناطق جنگی تبدیل کرد که بی شباهت به شهرهای فیلم الیسیم⁴ نیست (با بازیگری مت دیمون و جودی فاستر در سال 2013). در چنین وضعیتی، شیوه بیان ضد واشنگتنی پکن در کاربرد به اصطلاح «دیپلماسی گرگ» شدت خاصی بخود گرفت.



Source : <https://medium.com/@koujsamzp/regarder-elysium-2013-film-complet-streaming-vf-502845ce2884>

پس از بستن کنسولگری چین در هوستون به دستور واشنگتن و بستن کنسولگری ایالات متحده آمریکا در شنگدو، هر دو طرف لحن گفتار خود را تشدید کردند. شرکتهای فن آوری پیشرفته در ایالات متحده ممنوع هستند، نمایش نیروی نظامی ایالات متحده در دریای چین جنوبی و در آبهای نزدیک به تایوان موجب افزایش تنش لحن گفتار بین هر دو کشور شد. کاخ سفید سازمان بهداشت جهانی را متهم کرد که عامل پکن بوده است، در حالی که چین ایالات متحده را در ایجاد عمدی ویروس مرگبار و انتقال آن به ووهان متهم می داند. رسانه های دولت چین از انفجار اعتراضات خشونتبار زیر

⁴ Elysium

پرچم « زندگی سیاهان اهمیت دارد »⁵ در سراسر ایالات متحده پشتیبانی می کنند. رویدادها به شکل برجسته ای شدت می یابد. چندین به اصطلاح مارکسیست آمریکائی که تظاهرات در شهرهای ایالات متحده را هدایت می کنند با پکن رابطه دارند، مانند حزب کمونیست انقلابی باب آواکیان⁶ با پیش زمینه مائوئیستی.

« جنگ بدون محدودیت »

در این شرایط احتمال بالا گرفتن تنش ها از چه نوعی خواهد بود ؟ در سال 1999، دو سرهنگ از ارتش آزادیبخش خلق چین، کیائولیانگ⁷ و وانگ شیانگسو⁸ کتابی زیر عنوان « جنگ بدون محدودیت »⁹ را در انتشارات ارتش آزادیبخش خلق چین منتشر کردند. کیائولیانگ به رتبه ژنرال در نیروی هوائی ارتش آزادیبخش خلق چین ارتقاء یافت و در عین حال به عنوان معاون دبیر کل شورا برای پژوهش های سیاسی امنیت ملی برگزیده شد. هر دو در سال 2016 مأموریت خود را باز بینی کردند. این موضوع روشنگر استراتژی نظامی چین است.

با بررسی راه و روش نظامی ایالات متحده آمریکا که فردای عملیات « توفان صحرا » علیه عراق در سال 1991 منتشر شد، نویسندگان چینی آن چیزی را افشا می کنند که وابستگی شدید ایالات متحده به نیروی نظامی خشن و راه و روش نظامی متعارف ارزیابی کرده اند. آنان می گویند : « مشاهده کردن، آزمودن، و حل مسائل از دیدگاه فن آوری یک تفکر خاص آمریکائی ست. همه مزیت ها و کاستی هایش خیلی آشکار است، همان گونه که خصوصیات خود آمریکائی ها ». نویسندگان اضافه می کنند که « تهدیدات نظامی غالباً از جمله عوامل اصلی نیست که امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می دهد... عوامل سنتی بیش از پیش مربوط است به تصاحب منابع، مبارزه برای بازار، کنترل سرمایه ها، مجازات های اقتصادی و عوامل اقتصادی دیگر، تا جائی که نسبت به این عوامل نقش ثانوی پیدا می کند. در نتیجه، الگوی تازه ای شکل می گیرد که امنیت سیاسی، اقتصادی و نظامی یک یا چند ملت را تهدید می کند... دو نویسنده شکل نوین جنگ را به مثابه « ... علاوه بر فضای زمینی، دریائی، هوائی، فضائی و الکترونیک در بر گیرنده فضای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، فرهنگی و روانشناختی » تعریف می کنند.

همه این امور شکل جنگی را ترسیم می کند که می تواند بین چین و ایالات متحده به وقوع بپیوندد. این جنگ را می توانیم جنگ نامتعارف¹⁰ یا جنگ بدون محدودیت بنامیم، به این معنا که هیچ چیزی که بتواند دشمن را مختل کند ممنوع نیست¹¹. به گفته کیائولیانگ : « نخستین قاعده جنگ بدون محدودیت مشخصاً این است که هیچ قاعده ای وجود ندارد، هیچ کاری ممنوع نیست. » به سخن دیگر در این حالت منشور ژنو وجود ندارد.

⁵ Black Lives Matter

⁶ Bob Avakian

⁷ Qiao Liang

⁸ Wang Xiangsui

⁹ « Unrestricted Warfare »

¹⁰ asymétrique

¹¹ مترجم : بنظر می رسد که نویسندگان چینی با تعریف مفاهیمی مانند جنگ نامتعارف یا جنگ بدون محدودیت (یا جنگ باز و بدون ممنوعیت) خیلی به مفهوم جنگ ترکیبی (یا جنگ هیبریدی و انقلاب رنگی) نزدیک می شوند که از راه و روش های ناب آمریکائی ست ولی روشن نیست چرا مشخصاً از جنگ ترکیبی نام نمی برند.

دو نویسنده پکنی اضافه می کنند که این جنگ سَری می تواند شامل حمله های متعدد علیه امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و امنیت اطلاعاتی ملت باشد. وابستگی اقتصادی ایالات متحده به زنجیره تدارکاتی چینی برای همه چیز، از آنتی بیوتیکهای پایه تا مواد معدنی کم یاب و حیاتی برای ارتش از جمله موارد شکننده بین موارد دیگر است.

چین نیز به سهم خود نسبت به مجازاتهای اقتصادی، اختلال مالی، حملات بیوتروریستی و محاصره سوخت نفتی و مانند اینها آسیب پذیر است. برخی می گویند که تهاجم اخیر ملخ های دریائی و خساراتی که طاعون خوک آفریقائی به ذخائر مواد غذائی پایه در چین وارد آورده یک رویداد طبیعی ساده نبوده و ما احتمالاً وارد جنگ اعلام نشده و بدون محدودیتی بین ایالات متحده آمریکا و چین شده ایم. و آیا این احتمال نیز وجود دارد که سیل فراگیر در طول رودخانه یانگ تسه که سد عظیم سه دره^{۱۲} را تهدید می کرد و به ووهان و شهرهای بزرگ دیگر در چین سرازیر شد و میلیونها ایگر زمین کشاورزی کلیدی را تخریب کرد یک رویداد کاملاً فصلی نبوده باشد؟

جنگ تمام عیار و نامحدود بین چین و ایالات متحده فراتر از یک تراژدی خواهد بود. چنین جنگی می تواند به پایان تمدنی بیانجامد که تا امروز شناخته ایم.

آیا شخصیت‌هایی مانند بیل گیتس و بالا دستی های او هستند که در پی تحریکند؟ آیا می خواهند ویران شهر آرمانی خودشان را با باز نشانی همه چیز را از نقطه صفر روی ویرانه چین جنگی بر پا کنند؟



[Towards a US-China War? The Creation of a Global Totalitarian System, A “One World Government”?](#)

F. William Engdahl

ویلیام انگدل مشاور و سخنران در عرصه خطرات استراتژیک است، دیپلمه در علوم سیاسی از دانشگاه پنستون نویسنده مشهور نفت و جغرافیای سیاسی و به شکل انحصاری برای مجله آن لاین « *New Eastern Outlook* » می نویسد، یعنی منبعی که ما مقاله حاضر در آنجا منتشر شده است. اواز شرکای مرکز پژوهش های جهانی سازی است.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/vers-une-guerre-entre-les-etats-unis-et-la-chine-la-creation-dun-systeme-totalitaire-mondial-un-gouvernement-mondial-unique/5648380>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/25 اوت 2020

¹² سد سه دره بزرگترین سد جهان روی رودخانه یانگ تسه بنا شده است